

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۳۰ مارچ ۲۰۱۳

فرمانبرداران ارتجاع و سرمایه در صدد بدنامی رهبران جنبش مقاومت ملی افغانستان!

۴

به بیان ساده ، فرق بین یک انقلابی و غیر انقلابی چیست؟

انقلابی در عمل و پراتیک مبارزه می کند و اما غیر انقلابی به لاف و پف زدن بسنده می کند و بس!

ناصر خسرو:

"گه نرم و گه درشت چون تیغ

پند است نهان و آشکارم

با جاهل و بی خرد درشتم

با عاقل نرم و بردبارم"

«مائویست» های ، انجو ایست و چنگیزیست به جای نقد علمی و بررسی دقیق به قوله کشی پرداخته اند و چنگ و دندان نشان می دهند!

یک گروهگ چهار پنج نفری با طلسم و مداری گری از خود سیاهی لشکر نشان می دهند و تحت عناوین «عضو جنبش دمکراتیک نوین»، «یکتن از اعضای سابقه دار شعله جاوید»، «مائویست های افغانستان» و حالا تحت عنوان «سازمان کارگران افغانستان (م.ل.م)» از قاره اروپا نه تنها به قوله کشی آغازیده اند بلکه با عف و جف زدن و پاچه گیریهای شان ثابت می سازند که همان دوره گردان هرزه و فواحش سیاسی اند که به جزء ناسزا گوئی، دروغ پردازی، لاف زدن و پرده اندازی بر روی واقعیات تاریخ چیزی دیگری در انبان ندارند. اینها پارس کشانی اند که در پشت قافله عف و جف می زنند زیرا نه تنها از قافله به دور مانده اند، بل رانده شده اند!

مبارزان و انقلابیون بی باک و نترسی همچو رفیق «موسوی» و میرویس خواب از چشمان تسلیم طلبان «سازمان پیکار» و رفقای سکتاریست «هزاره ایسم» شان ربنده اند، بناءً این حرکت شجاعانه ، عوامل خادیسیت، انجو ایست و فرمانبرداران امپریالیسم را در اروپا وحشتزده و سراسیمه ساخته است و بدان واداشته است تا با نشر جفنگنامه تحت عنوان «اپورتونیسیم در لاک دفاع از رهبران جنبش مقاومت» در «پیام آزادی» از آدرس «سازمان کارگران افغانستان م.ل.م» به «دفاع» برخیزند !

زاد و ولد این مولود ناخلف یکشبه صورت می گیرد و نطفه حرامش توسط داکتر «فولاد»، انجنیر «شورش» و انجنیر «حزب کمونیست» گذاشته می شود؛ و فردایش به (چهار غوک) نمودن آغاز نموده و همین که دهان کثیفش باز می گردد «میرویس» و «موسوی» را با شدیدترین فحش ها، فحش باران می سازد؟!

مگر چرا هر دو نقادک خادیسست، انجو ایست این خادمان امپریالیسم از خود به دفاع بر نخاستند و در زیر چادری «سازمان کارگران افغانستان م.ل.م.» پنهان گشتند و به ضد ما حمله نمودند؟!

از یکسو با «کیر» پارس می کشند که گفتار های ما ارزش جواب دادن ندارد و اما از سوی دیگر نه تنها آخ و واخ شان را توأم با جیغ کشیدن می شنویم بلکه ناله های شان را می نگریم که چگونه اشک می ریزند و التماس می کنند که دیگر افشاگری نکنیم؛ اما این مرتجعان و جاسوسان انجو ایست باید بدانند که هنوز آغاز کار است و ره مقصد دراز.

حالا پرسش ما از «سازمان کارگران افغانستان م.ل.م.» اینست که نخست خود را معرفی بدارید که کی هستید و در کجای افغانستان در پراتیک و در عمل دوشادوش کارگران به ضد ستم ملی امپریالیستی و ستم طبقاتی و محو طبقات مبارزه می نمائید و آدرس تان در خارج در کجا موقعیت دارد؟

آیا وظائف ملی تان را انجام داده اید و اگر داده اید در کدام کشور؟!

در مورد وظائف انترناسیونالیستی تان بنویسید و به زبان ساده برای من بیسواد بگوئید مائویسم چیست و یک مائویست کیست و دارای چه صفات می باشد و آیا به راستی شما این گوهر نایاب را در وجود تان می بینید و یا خیر و اگر می بینید بنویسید تا مطلع شویم؟

درثانی، این قلم بحث های ارتجاعی و اپورتونیستی را که توسط دو نقاد هالند نشین به راه انداخته شده بود با زبان یک انسان نوین به طرز ساده به نقد کشیدم و دروغگوئی، استدلال غلط و سفسطه بازیهای شان را برملا و افشاء ساختم که این حرکت انقلابی ام آتش در خرمن اپورتونیست های بی عمل اروپا نشین انداخت؛ اپورتونیست هایی که در زیر چادر اسمهای مستعار پنهان اند و در هیچ برهه ای از تاریخ در عمل و در پراتیک مبارزاتی حضور نداشته و مسؤولیت نپذیرفته اند. حالا این بی ننگ های بی بند و بار، فاسد الاخلاق و شتران کینه توز با ژاژ پراکنی های نمایان شان تحت اسم «مائویستهای» پوده و کچه در پاچه های من و رفیق انقلابی «موسوی» چسبیده اند، پارس می کشند و ما را بدون هیچ گونه دلیل و سند موجه و قابل قبول اپورتونیست مخاطب قرار داده و ده ها بر چسب خادستیک می زنند تا با اینکار ردیالانه شان گویا شخصیت های ما را ترور نمایند؛ اما نمی دانند که آفتاب را نمی توان با دو انگشت پنهان کرد!

مگر گناه ما چیست به جزء افشاگری مدعیان دروغین مائویسم و انجو ایست های فرمانبردار و جاسوس امپریالیسم! رفیق «موسوی» با استدلال و منطق به جواب سؤالات تان می پردازد و اما شما «مائویست» های پوده و کچه از جواب دادن به سؤالات ما طفره روی و گریز کرده و تجاهل می کنید؛ چرا و از چه می هراسید؛ مگر شما پوده ها با سلاح و اندیشه دورانساز «مائویسم» مسلح نیستید و اگر هستید آیا «مائویست» های انقلابی اصیل همچو شما مکاران دجال با دو و دشنام به نقد می پردازند و فحاشی می کنند و یا به عکس؟!

اپورتونیست در زبان انگلیسی به معنی فرصت طلب و نان به نرخ روز خور می باشد و شما در عمل به اثبات رسانیده اید که اپورتونیستهای هستند که در هر قدم زندگی ننگین تان همچو بوقلمون رنگ عوض کرده اید و بنا بر گفته بزرگان به هر سازی رقصیده اید. در زمان مقاومت ملی در پهلوی شیر (ساما) و رهائی اکت و ادا های شیر بودن را درمی آوردید و اما در حقیقت حبابهای روی مرداب بودید که با وزش نسیم سحر ترکیدید و بدون کوچکترین جنگ و جدل و مقاومت سند تسلیمی و همکاری با (خاد) را به امضاء رسانیدید و توسط (خاد) تا پاکستان بدرقه و آورده شدید و یا با

پاسپورت های «جمهوری دمکراتیک خلق» به هندوستان رفتید. اپورتونیسیم زبینه پسوند و پیشوند اسمهای شما ها است که از ترس افشاء نمی سازید.

مردم در سراسر افغانستان به خوبی آگاه بودند و می دانستند که رهبران انقلابی (ساما) و رهائی «مجید بزرگ» و «فیض بزرگ» بودند و حالا ما اطلاع نداریم که رهبر و رهبران «سازمان کارگران افغانستان م.ل.م.» این مدعیان دروغین «مائیسم» کی ها اند و در کجا فعالیت های سیاسی و نظامی دارند و در جنگ مقاومت ملی ضد روسی عملکرد های دارند و یا خیر؟!

اگر «مائیست» های پوده و کچه «سازمان کارگران افغانستان م.ل.م.» نظری گذرا در «پیام آزادی» بیافگند متوجه می شوند که در موضع سیاسی بنده کدام تغییری نیامده است و همین موضع سیاسی را که فعلاً از آن به دفاع برخاسته ام دیروز نیز جانانه دفاع می کردم. مباحثات من با «سمندر» ، «بابا» و «انسان» بر حقانیت گواهی می دهد. یک مسأله مهم دیگر را نیز باید تذکر دهم و آن این که، داکتر «پولاد» از موضع و موقف مبارزاتی ام در مقابل «سمندر» ، «بابا» و «انسان» دفاع می کرد و مشوره می داد. نوشته نخستینم در «پیام آزادی» در دفاع از اسم و رسم ابر مرد «مجید» در مقابل حملات اپورتونستی رهبر سنتریسیم مسلکی «سمندر» بود که مورد استقبال و پشتیبانی داکتر صاحب قرار گرفت و اگر چنین نمی بود چطور ایشان نوشته ام را به نشر رسانید و در مقابل اپورتونیسیت های سنتریست و چوکره و سرایداریش من را معاونت نمود؟!

چطور شد که یک باره به جوش و خروش آمد و بعد از گذشت چهل بهار و زمستان یکباره متوجه اپورتونیسیت بودن «مجید قهرمان» ، «فیض قهرمان» و «مینای قهرمان» و بیشتر از سی تن کادر ها و رهبران (ساما) می شود؟ مگر خدای ناخواسته تا این مدت مدید به مرض یاد فراموشی گرفتار شده بودند و حالا آب و هوا و غذای هالند معجزه کرد که تکلیف ایشان را مداوا نمود؟!

کارزار کثیف و متعفن «کوانتل پرو» و خاین شما هستید که دیروز به ساز روسها می رقصیدید و میده میده کنان و رقصان در دامن انجو های اتریشی و سویدنی غلتیدید و امروز به مثابه فرمانبرداران ، جاسوسان و لودسپیکر های امپریالیسم در آغوش امپریالیسم نفس می کشید و تغذیه می گردید و در خدمت منافع آنها قرار گرفته اید. خاین و ناخلف شما رانده شدگان و واماندگان متحجر هستید که با دشمنان تاریخی کشور ما، ایران و پاکستان به خاطر تجزیه افغانستان کار کرده و همکاری باشید، مگر چنین نیست؟

شما پارس کنان مثل (دیدو) ها سرگردان و تر شده هستید؛ هم پارس می دهید و پاچه می گیرید و هم بوی تعفن تان نفس گیر است؛ اگر شما امروز بر (ساما) و رهائی پارس می کنیز مگر دیروز همین شما ناخلفان شرفباخته نبودید که از نام آنها اعتبار می گرفتید و عشوه فروشی می کردید؛ پس چه شد که امروز در مقابل این دو سازمان انقلابی قوله می کشید؟

این که (سازمان رهائی) را یک سازمان اکونومیستی می پندارید و من را هم متهم به دفاع از اکونومیسم می نمایند حتمی از یاد تان رفته است که رهائی یک سازمان سیاسی و نظامی بود که در جنگ کبیر ملی به ضد روسها و نوکران بومی اش می رزمید و شما ها در آن ایام یا مشغول امضاء کردن اسناد تسلیمی بودید و یا در (خاد پنج) منحیث مستنطق اجرای وظیفه می نمودید و یا جاسوسی می کردید!

گویند که دروغگو حافظه ندارد و آنها دروغگو های انجو ایست و خادم امپریالیسم که با لاش های متعفن شان و چهره های کریه و زشت شان در روز روش دروغ می گویند!!! در نوشته های ارتجاعی شان رفیق «مجید» و رفیق «فیض» را با خانم مبارزش اپورتونیسیت، قدرت طلب، اوانتاریست و..... بار ها خطاب نمودند و حالا با چه بی حیائی

و بی آبرویی چاپلوس مآبانه از شخصیت های ابر مرد «مجید» و ابر مرد «فیض» به تمجید پرداخته و برای هزارمین بار کمبود وجدان شان را با اینگونه تملق و شادبیزی ها به نمایش می گذارند!!

از طرز گفتار و عملکرد های «سازمان انقلابی کارگران افغانستان م.ل.م.» چنین استنتاج می گردد که این ریشخند های روزگاران یعنی «مائویست» های پوده و کچه عقده های نهفته در قبال جنبش انقلابی بالاخص دو سازمان عمده و انقلابی اش دارند؛ زیرا آندو سازمان انقلابی در عمل رزمیدند، خون دادند و افتخار کمائی کردند و این عمل ملی و انقلابی (ساما) و رهائی باعث حس حقارت «مائویست» های پوده و کچه گشته است ، زیرا می نگرند که خود شان جز لاف و پف ارمغان دیگری نداشته و می خواهند با کوبیدن «رهائی و ساما» برای شان آبرویی بخرند زیرا خود به نیکوئی می دانند با آنچه تا حال انجام داده اند، بین جنبش چپ کشور دیگر قطره آبرویی برای شان نمانده است که بریزانند!!!

این که «مائویست» های پوده و کچه در آغاز قوله نامه ای شان را با حمله به (ساما) ، رهائی ، ادامه دهندگان و سازمان انقلابی فعلی بسنده کرده اند، وظیفه آن سازمانها است که از خود دفاع کنند.

بر می گردیم که چرا داکتر «فولاد» و همپاله هزاره ایستش عقب نشینی را اختیار کردند و «سازمان انقلابی کارگران افغانستان م.ل.م.» ، مولود حرام خود ساخته و پرداخته شان را ظاهراً به نمایندگی از «مائویست» های پوده و کچه به بنگس زدن بیرواز آوردند؟!

جای خنده در اینجاست که تا به حال هیچ کسی از اسم و رسم «سازمان انقلابی کارگران افغانستان م.ل.م.» ، «مائویست» های پوده آگاهی نداشته و اما این لش های روی مرداب خویش را به مثابه نمایندگان «مائویستهای» افغانستان اعلام می دارند. از یکسو این پرازیت های زرد و هزاره ایست های پر از طمطراق «شعله جاوید» میراث گرانبهای محمودیها را با دلقک بازیها، میمونبازی های شان در لجن بدنای غرق خواهند کرد و از جانب دیگر در بد نامی راه و رسم «صدر مائو» تلاشهای خاینانه و مذبحخانه را به راه انداخته اند ؛ اگر «صدر مائو» زنده می بود با دیدن این حالت و حادثه که چنگیز پرستان زرد از «مائویسم» نشخوار می کنند زهره ترک می گردید!!!

واقعیت قضیه این است که تیر های «موسوی» و «میرویس» به نکات مهم بدن «مائویست» های پوده و همپاله های حقیر و ضعیف النفس شان اثابت کرده است و سوزش طاقت فرسای ناشی از ضربت تیر، آنها را به عکس العمل واداشته است در غیر آن باید خود پاسخ بگویند که چرا بدین گونه به اصطلاح یک «سازمان مائویستی» با همه کش و قشش علیه ما مثل سگان زخمی به جفیدن آغازیدند؟

سیاهی لشکر نباید به کار

موسوی و میرویس به از صد هزار

گناه ما فقط مبارزه و افشاءگری علیه اپورتونیسیم عریان «مائویست» های پوده و کچه بوده و دلیل دیگری ندارد؛ پس برای «مائویست» های پوده و کچه یاد آوری می کنم ، سوالاتی را که متوجه دو نقاد هالند نشین کرده بودم تا به حال بدان سوالات پاسخ ارائه داده نشده است و اگر آنها جرأت دارند به جواب پرداخته و تا آنزمان «مائویست» های پوده و کچه دیگر را که راه و رسم کارگر را به مسخرگی گرفته اند در زنجیر شان بسته نمایند تا بدون موجب پارس نکشند و اگر بکشند ما چاره ای جزء (کوچوله) دادن به آنها نداریم!

«نقاد هزاره ایست چنگیزبست قیام چندانول را با قیام اکتوبر مقایسه نمود، جوابی را که من ارائه دادم چنین بود:

نقاد قیام چندانول را با انقلاب اکتوبر مقایسه می کند و از آن به زعم خودش در نفی و بدگوئی «ساما» استمداد می جوید، با آن که در اینجا نمی خواهم بحثم را به بررسی انقلاب اکتوبر و قیام اردو و سربازان دولت موقت بکشانم و در عوض از نقاد می خواهم تا حد اقل قبل از آغاز به بحث در کنار مطالعه دقیق «تتر های اپریل» لنین به کتاب «۱۰

روزی که دنیا را تغییر داد» منتشره در همین پورتال مراجعه نماید، به وی گوشزد می‌نمایم که در منطق یکی از زشت ترین عادات، می‌تواند چسبیدن به «قیاس مع الفارق» باشد.»

ضمن این که غلو و مبالغه بیمارگونه نقاد را در موضوعات دیگر بر ملا ساختم از وی پرسیدم که:

«نقاد از همکاری افسران ناراضی خلقی با «ساما» در قیام چندانول یاد کرده است؛ نخست باید بنویسد که این ادعایش را بر چه مبنائی می‌تواند ثابت سازد در ثانی مگر چه عیبی داشت که خلقیها از دولت و حکومت و رهبران وطنفروش شان رو بر گرداندند و به صف مردم و انقلاب پیبوندند؟

هیبت «ساما» بود که قلب هر انسان آزاده را به طپش می‌انداخت و جذب صفوفش می‌ساخت و این یک حقیقت انکار ناپذیر بود.»

چند روز متواتر منتظر جواب وی بودم و اما بعد دانستم که نقاد در کنجی از ترس خزیده است؛ تا این که پوز های شما را دیدم که با حرکت دهان تان عوعو کنان به مصاف شیر شتافتید و در پاچه هایش قائم شدید؛ این حرکت متعجبم نساخت زیرا به یاد سگهای دور افتاده از قافله افتادم ، لحظاتی مکث کردم و در لحظات شیرین پیروزی خندیدم.

هنوز حرفهای خیلی نا گفته ای با وی دارم و شاید ماه ها را در بر بگیرد.

سؤالاتی را که از رفیق «مائویست» هالندی تان نموده بودم قرار زیر است:

«در آن آوان که قیام چندانول به راه انداخته شد و شکست خورد شما عضو مرکزیت سازمان «پیکار» بودید؛ برای خوانندگان و مردم پاسخ بگوئید که اولاً ادعای داکتر «احمد علی» به حیث بنیان گذار سازمان تان، مبنی بر تدارک قیام و آن را علت ایجاد سازمان پیکار دانستن به چه معنا بوده و نقش جنابعالی در آن سالها آیا مگر به غیر از دنباله روی از آنچه «کودتا قیام» می‌نامید بوده است؟ در ثانی بگوئید در کدام سندی همان زمان سازمان شما علیه قیام چندانول جبهه گیری کرد و آن را یک حرکت قدرت طلبانه و ضد انقلابی خواند و محکومش کرد؟ اگر محکوم کرد با کدام سندیت و اگر نکرد چرا و حالا بعد از گذشت سه دهه در نبود رهبران با کدام منطق سر و صدا ها را به راه انداخته اید و چه نفعی برایتان می‌رسد جزء بدنامی و رو سیاهی؟!»

بعد از رفتن زنده یاد «داکتر صاحب رحیم محمودی» به خارج ، سازمان «پیکار» تحت رهبری افرادی چون شما، داکتر احمد علی، دگروال جوره، حکیم توانا و دیگران بدون این که حتا یک روز پراتیک مبارزاتی در گذشته داشته باشید با دولت مزدور معاهده و پرتوکول تسلیمی را منعقد نمودید و سازمان تان در بسته در خدمت (خاد) و دیگر ادارات استخباراتی دولت مزدور به کار آغازید. بعد از مدتی شما و دیگر اعضای مرکزیت «پیکار» به پشاور قدم رنجه کردید، یکی در کمیته سویدن و دیگری در مرکز استخباراتی دیگری، مگر غیر از این بود؟؟

اگر شما و دوستان تان برای منافع امپریالیسم ممد و مفید نمی‌بودید هیچ گاهی در آن مؤسسات به کار گماریده نمی‌شدید و از اعتبار خوب برخوردار نمی‌بودید. اما سازمانهای امپریالیستی اروپائی همچو کمیته اتریش و سویدن و یا هم سایرین از هیبت رفیق سلطان احمد می‌هراسیدند، گر چه سلطان هم زیر تأثیر تعلق تشکیلاتی با افرادی از قناش شماپرتوکول همکاری را با دولت مزدور امضاء کرده بود و اما آرزو داشت تا برای رهائی وطنش از هر طریقی که میسر گردد مبارزه کند، این بود که دشمن اروپائی از وی زیاد خوش شان نمی‌آمد. بالاخره خاد گلبدین و خاد کابل این فرزند فرزانه و انقلابی توده ها را اختطاف و بعداً به شهادت رسانید؛ روحش شاد و یادش گرامی باد!

البته سؤالات زیادی از هر دو «مائویست» هالندی به عمل آمد، و اما به جای پاسخگوئی به سؤالاتم شما افسار گسیختگان بی شرم و بی آبرو، به مثابه سگان هار زنجیر ها را گسسته و به جان ما افتیدید، برای هیچ جای تعجب نداشت و ندارد که شما به جز عف و جف چیزی دیگری در توشه نداشتید!

«مائویست»های پوده و کچه پس از چنگ و دندان نشاناندان گویا با نقد «مائویستی» شان چهار زانو نشستند و دوکتورین صادر کردند و چه بیش‌رمانه چنین نشخوار نمودند "قدرت سیاسی از لوله تفنگ بر می خیزد. این قدرت سیاسی که از لوله تفنگ بر میخیزد، زاده ای شرایط عینی و ذهنی است، شرایطی که از بستر یک جنگ خلق بر میخیزد و نه از لجن رویونیسم مسلحانه ی اپورتونیست های «رهایی» و «کودتا- قیام»سامای مجید شهید!"

درست به یادم است که چندین سال قبل شما «مائویست»های پوده و کچه همین شعار ها را دادید و اما روزی با چشمپارگی تمام اعلان جنگ خلق را کردید و ما بیخبران و دور از وطن از خوشی در پوست نمی گنجیدیم و با صداقت تمام به صد ها اعلامیه های ارسال شده را کاپی و در دسترس مردم قرار دادیم و اما تا امروز نه تنها جنگی صورت نپذیرفت بلکه تک تفنگی هم شنیده نشد؟!!

سازمان رهائی اولین سازمانی بود که با «مائویست»های پوده و کچه اعلان کمک کرد و متذکر شد ، اگر مرد هستید و جرأت دارید تمام سلاح های ما در اختیار تان است. اما زمین جنبید نه کلبی حسین ها؟!!

حالا بعد از گذشت دو دهه باز هم ندای پف و لاف را از حنجره پلید «مائویست» های پوده و کچه می شنویم و دفعتهً همان لاف و پف های دو دهه قبل شان را در خاطرات ما مجسم می سازد!!!

باید شما زرد های زرد را در پیشگاه خلق اسیر و انقلابیون افشاء ساخت و در این راه از هر نوع سعی و تلاش دریغ نخواهم ورزید.

چرا از ترس می لرزید و از افشای هویت تان خوداری می کنید؛ مگر مردم شما را از روی کدام نوع عملکرد ها و کار نامه های تان بشناسند مگر شما مدعی «مائویسم» نیستید؟

مگر شما ما را در مذمت نمودن «مائویستها»مورد شماتت قرار ندادید؟

طوری که با خیرم پیروان «اندیشه مائو» نترس و دارای جوهر انقلابی اند و اما من این جوهر را در وجود شما دلان و فواحش عقب افتاده از کاروان نمی بینم این را هم باید بیفزایم با وجود شما و در مقایسه با کارنامه های شما، واقعاً دلم به حال زنان روسپی که در جامعه بدنام شده اند، می سوزد!

ادامه دارد....

میرویس ودان محمودی